

"جان لاک" فیلسوف انگلیسی و معمار فلسفه حکومت دموکراسی (1632م)

جان لاک، فیلسوف و نظریه‌پرداز معروف انگلیسی و بنیان‌گذار فلسفه حکومت دموکراسی در 29 اوت 1632م در رینگتن انگلستان به دنیا آمد.



جان لاک، فیلسوف و نظریه‌پرداز معروف انگلیسی و بنیان‌گذار فلسفه حکومت دموکراسی در 29 اوت 1632م در رینگتن انگلستان به دنیا آمد. وی تحصیلات خود را در آگسفورد به پایان رساند و پس از آن به تدریس زبان یونانی، معانی بیان و فلسفه پرداخت. در دهه‌های اولیه زندگی جان لاک، یک دوره پرتشویش و اغتشاش اجتماعی و سیاسی و درگیری بین جمهوری خواهان و سلطنت طلبان پیش آمد. با وجود این، لاک ملاحظه کرد که حوزه‌های علمی که وی در آنها رفت و آمد داشت به کثی از روح انقلابی زمان خویش بی‌خبرند. ولی در زندگی لاک و دنیای پیرامونش چیزهایی بود که او را به تفکر برمی‌انگیخت. در گیر و دار وقایع زمان، جان لاک به دلیل ترس از گرفتار شدن در زندان شاه، به فرانسه و سپس هلند گریخت و در آنجا به تفکر درباره دستگاه فلسفی خود که اساس دموکراسی جهان است، پرداخت. کلید فلسفه لاک شامل دو کلمه "توافق قراردادی" است. وی اعلام داشت که تمام حکومت‌ها، سراسر روابط انسانی و همه زندگی را، باید به مثابه داد و ستد تلقی کرد. رئیس حکومت به عوض تحمیل اراده خویش بر مردم باید خدمت خود را به مردم بفروشد. لاک می‌گفت فلسفه تجارت را باید درباره حکومت و آداب و سلوک اخلاقی زندگی روزانه‌ها، مان به کار بست. ما باید در معاملات سیاسی خود همان اندازه خردمندانه رفتار کنیم که در معاملات تجارتي‌مان عمل می‌کنیم. لاک، ذهن انسان به هنگام تولد را هم‌چون لوحه سفیدی می‌دانست که تجارب حسی، مانند متن کتاب، از آغاز تولد تا زمان مرگ، بر لوح ذهن نوشته می‌شود. این معلومات به صورت حفظیات شکل می‌پذیرد و حفظیات به گونه فکر و فکر به جامه عقل درمی‌آید. بنابراین عقل انسان چیزی جز ارزشیابی دنیای مادی که از دریچه‌های حواس به داخل ذهن راه می‌یابد، نیست. لاک بر این عقیده است که اشخاص مختلف، دنیا را به صور مختلف می‌بینند، زیرا اگرچه حواس به ظاهر یکی است، اما دنیا را متفاوت دریافت می‌کنند. لاک یک دوره عملی برای تعقل توصیه می‌کند و آن راه تساهل و مدارای مشترک است. وی حکومت خوب را حاصل قرارداد میان انسان با انسان می‌دانست و وظیفه حکومت‌ها را خدمت به مردم عنوان می‌کرد. لاک درباره حکومت عادلانه می‌گفت که باید مبتنی بر رضایت اکثریت مردم باشد. به مردم آزادی بیان، آزادی فکر، آزادی انتخاب و آزادی دین بدهد و برای آن که کار به خودکامگی نکشد، لازم است که سه قوه مقننه، مجریه و قضائیه وجود داشته باشند. اما رؤیای لاک از حکومت آزادی خواه ملی فراتر رفت و او اصولی، هم برای حکومت بین‌المللی و هم حکومت ملی، طرح افکند. به نظر لاک، دوره ترقی واقعی وقتی آغاز خواهد شد که کشورها نیز چون مردم، طبق یک قرارداد اجتماعی با هم متحد شوند و از لحاظ سیاسی به یک‌دیگر اتکا ورزند. لاک عقیده داشت که هدف همه حکومت‌ها، حفظ حیات، آزادی و خوشبختی ملت‌هاست، اصل عدالت مبتنی بر نیاز و احتیاج مردم است و عاملی که معلوم می‌دارد مردم به چه چیز احتیاج دارند، صدای آنهاست. وی در این جا عنوان می‌کند که اخلاق و رفتار خوب، نتیجه حکومت خوب است. لاک، علم اخلاق را هم‌چون سیاست، به عنوان یک علم محض، بر پایه تجربیات حواس بیان نهاد. وی بر این عقیده بود که اخلاق و رفتار خوب آن است که آدمی را به خوشی برساند و از رنج و زحمت به دور دارد. اما قانون اخلاقی ایجاب می‌کند که رفتار فرد باید به بیشترین شادی برای بیشترین تعداد و تقلیل درد و رنج از همه منجر شود. فلسفه لاک را می‌توان چنین خلاصه کرد: استقلال افراد در یک جامعه دموکراسی، اتکای اقوام در کشورها به یک‌دیگر در دنیای آزاد؛ استقرار اخلاقیات بر مبنای تعاون در میان همه افراد بشر. از آثار عمده‌های لاک در آن‌ها به تشریح عقاید فلسفی خویش پرداخته است، می‌توان از کتب رساله درباره فهم بشر، اندیشه‌های لاک در باب تعلیم و تربیت و معقولیت دین مسیح(ع) نام برد. جان لاک سرانجام در 28 اکتبر 1704م در 72 سالگی درگذشت.